

یادداشت مترجم

بنژامن گُنستان^۱ در سال ۱۷۶۷ در خانواده‌ای اشرافی در لوزان^۲ سوئیس متولد شد. در دانشگاه‌های اِرلانگن^۳ (آلمان) و ادینبورگ (اسکاتلند) تحصیل کرد و با زبان و ادبیات آلمانی و انگلیسی در سطح ادبیات و زبان مادری‌اش، فرانسوی، کاملاً آشنا شد.

بنژامن گُنستان در زمان حیاتش در عرصهٔ سیاسی فعال بود و تا امروز او را تئوریسین لیبرالیسم شناخته‌اند. او علاوه بر تألیفات بسیار دربارهٔ لیبرالیسم، نوشتارهای متعددی نیز در زمینه‌های دیگر از جمله مذهب دارد.

اما بنژامن گُنستان پیش‌تر به‌خاطر شاهکارش، رمان *آدلف*، در یادها و ادبیات جهانی باقی است. *آدلف* بار اول در لندن به چاپ رسید و بی‌درنگ «رمان کلیدی» و زندگی‌نامهٔ شخصی گُنستان شمرده شد و جاروجنجال فراوان و درازمدتی ایجاد کرد. دوستی دیرین گُنستان با مادام دوستال^۴ که او را

1. Benjamin Constant

2. Lausanne

3. Erlangen

4. Mme de Stael

بزرگ بانوی ادبیات قرن نامیده‌اند، با فراز و فرودهای بی‌شمارش، موجب شد که بسیاری از منتقدان صاحب‌نام و دوستان و آشنایان کُنستان، شخصیتِ النور در رمان را همانا مادام دوستال فرض کنند. البته به‌خاطر روابط عاطفی کُنستان با زنان دیگر، نام‌های دیگری نیز روی النور گذاشته‌اند.

کُنستان تحت تأثیر گرایش‌های سیاسی مادام دوستال از هواداران انقلاب فرانسه بود و از مخالفان ناپلئون و به‌همین خاطر از سال ۱۸۱۴ از فرانسه تبعید شد. اما پس از این تبعید در سال‌های ۱۸۱۹ تا ۱۸۳۰ نماینده مجلس در فرانسه بود.

در مقدمه چاپ دوم رمان، و پس از قریب ده سال بعد، در مقدمه سوم، کُنستان می‌نویسد:

این اصرار شدید و متداول بر یکی دانستن اشخاص آثار تخیلی با برخی آدم‌های حقیقی آفتی شده است... کندوکاوی این‌چنین در رمان حاکی از آن است که از نظر ایشان دروغ‌های پردردسر بر حقیقت ترجیح دارد و وراجی‌های زنانه از نکته‌سنجی دلچسب‌تر است.

و در جای دیگر می‌نویسد:

اشارات شیطنت‌باری را که ناشی از حدسیات پوچند و مدعی کشفیات واهی، پاسخ گفته‌ام... اگر فقط یک جمله در کتاب من این اجازه را می‌داد، مستحق شدیدترین سرزنش‌ها بودم...

و در نامه‌ای به روزنامه مورنینگ کرانیکل^۱ در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۸۱۶ می‌نویسد:

نشریات گوناگونی القا کرده‌اند که حوادث رمان آدلف به شخص من یا به اشخاص واقعی دیگری اشاره دارند. وظیفه خود می‌دانم

که منکر این تفسیرهای بی‌پایه شوم. این‌که حدیث نفس در این رمان کرده باشم به‌نظم مضحک می‌آید و داوری‌ام درباره قهرمان داستان کافی است که حدسیاتی از این دست را نفی کند... اما اتهام ترسیم سایر شخصیت‌های واقعی به‌مراتب خطرناک‌تر است. چنین اتهامی مایه ننگ من است و شخصیت‌م را زیر سؤال می‌برد و به آن گردن نمی‌نهم. نه النور، نه پدر آدلف، و نه کُنت دوپ *** کوچک‌ترین شباهتی به اشخاصی که من می‌شناسم ندارند. نه فقط دوستانم، بلکه منسوبینم برای من محترمند.

تقریباً یک قرن طول کشید، یعنی تا پس از جنگ جهانی دوم، تا این تأکید بر جنبه‌های اتوبیوگرافیک و وسوسه یکی دانستن شخصیت‌های تخیلی با آدم‌های واقعی فروکش کرد و رمان آدلف را به‌خاطر ویژگی‌های زیباشناختی آن خواندند و نقد کردند.

وسعت مفاهیم و منظرهای روانشناختی رمان آدلف چنان حیرت‌آور است که صاحب‌نظران به‌حق بنژامن کُنستان را پیشگام رمان روان‌شناختی نو نامیده‌اند.

آدلف را سفاکانه‌ترین و تلخ‌ترین رمان عشقی نیز خوانده‌اند، زیرا کُنستان در آن عمیق‌ترین و صادقانه‌ترین احساسات و شورانگیزترین بستگی‌های عاطفی را تجزیه و تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه در گذر زمان این احساسات و بستگی‌ها رنگ می‌بازند.

آدلف یک ضد قهرمان از خودبیگانه است که عاشق زنی ده سال از خودش بزرگ‌تر می‌شود. آدلف هم خودشیفته است و هم طبیعتی ضعیف دارد، هم بزرگ‌منش است و هم قدرت ندارد رشته‌های عاطفی میان خود و زنی را که دیگر دوست ندارد، پاره کند. عشق آرمانی و زیاده‌خواهی النور نیز زیر ذره‌بین کُنستان قرار می‌گیرد.

1. Morning Chronicle (23 June 1816)